



دکتر اسماعیل بیابانگرد

# بررسی عوارض ناشی از محرومیت از پدر و چگونگی رابطه مادر-کودک

یأس آور، منفی و نسبتاً پایدار مادر در مورد فقدان پدر می‌تواند نقش عمده‌ای در ایجاد خود پنداره ضعیف و رفتارهای نابهنجار کودک ایفا نماید. همانطور که انتظار می‌رود نگرش مادر در مورد فقدان پدر نیز بر واکنشهای کودک تأثیر می‌گذارد. ارزیابی مادر از غیبت پدر اغلب با دلایلی که برای آن غیبت آورده می‌شود مرتبط است. بحث در مورد اثرات غیبت پدر بر کودکان برای هر مادری ممکن است ناخوشایند باشد، اما این موضوع هنگامی ناخوشایندتر است که غیبت پدر به علت طلاق یا ترک خانه باشد. بسیار مشکل است که کودکان در هنگام مواجهه با تعارض و فشار روانی در قبل از طلاق و بعد از طلاق تصویر مثبتی از پدر داشته باشند، عوامل اجتماعی، فرهنگی نیز می‌تواند بر واکنشهای خانواده نسبت به محرومیت از پدر تأثیر بگذارد. برای مثال، طلاق برای خانواده‌های روستایی کمتر از خانواده‌های شهری مورد پذیرش است. در مقایسه با سایر عوامل محرومیت از

تأیید احساسات مثبت کودک نسبت به پدر توسط مادر است. چنین مادرانی با تأیید پدر به عنوان یک الگو به همانندسازی پسران کمک می‌کنند و نیز تنشهای احتمالی بین پدر - دختر را از طریق ارتباطی که در آن احترام و ارزش برای پدر وجود دارد کاهش می‌دهند.

هلپر (۱۹۵۵) رابطه اعتماد به نفس پسران دبیرستانی را با برداشت آنها از پدرانشان مورد بررسی قرار داد او دریافت که شباهت پدر - فرزندی به طور معناداری تابعی از تأیید پدر به عنوان یک الگو برای کودک، توسط مادر است. نگرشهای مادر زمانی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند که وی دارای فرزند مذکر بوده، و همچنین فاقد شوهر باشد.

کاف (۱۹۷۰) با انجام پژوهشی دریافت که سازگاری مدرسه‌ای ضعیف در میان پسران فاقد پدر با نگرش منفی مادرانشان نسبت به فقدان پدر مرتبط است. موارد بالینی نشان می‌دهد که چگونه تفسیرهای

یکی از موضوعاتی که بسیار مهم بوده ولی کمتر به آن توجه شده است چگونگی رابطه «مادر - کودک» به ویژه در زمان فقدان پدر است. در این نوشتار تلاش داریم تا با بررسی اثرات ارزیابی مادر از پدر، خانواده‌های مادر سالاری، مراقبت افراطی مادر، رشد نقش جنسیتی کودک، شغل مادر، ابعاد مادری کردن، مادران کارآمد و تشویق مادر، تصویری روشن از اثرات محرومیت از پدر با تأکید بر چگونگی رابطه «مادر - پسر» ارائه نماییم.

## ارزیابی مادر از پدر

نگرش مادر نسبت به پدر عامل مهمی در رشد نقش جنسیتی کودک و شخصیت او است. گرانبیوم (۱۹۸۳) در یک مطالعه بر روی کودکانی که افت تحصیلی شدیدی داشتند دریافت که ادراک مادران از همسران خویش عامل مهمی در شکل‌گیری و یا حل مشکلات پسران می‌باشد. فاربر (۱۹۶۲) دریافت که یک بعد مهم در ازدواجهای موفق

پدر، از دست دادن پدر به علت مرگ، منجر به واکنشهای رفتاری شدیدتری در کودکان می‌شود. غیبت پدر نیز اثرات و عوارض کلی بر رشد شخصیت کودک، صرف نظر از علت آن دارد. عامل بسیار مهمی که اثرات غیبت و فقدان پدر را به میزان زیادی تعدیل می‌نماید رابطه کودک با مادرش است.

رابطه «پدر - کودک» قبل از غیبت پدر و نیز سن کودک در هنگام شروع غیبت نیز عوامل مهمی در تعیین چگونگی نگرشهای مادر نسبت به پدر می‌باشد. به عنوان مثال: برای پسر فاقد پدری که تا ۱۰ سالگی رابطه مثبتی با پدر داشته، احتمال کمتری وجود دارد که تحت تأثیر نگرشهای منفی مادر نسبت به پدر قرار گیرد تا پسری که از محبت و تربیت پدری، به طور کلی محروم بوده است.

### خانواده‌های مادر سالاری

در خانواده‌های مادر سالاری اغلب ارزیابی از پدر به گونه‌ای منفی صورت می‌گیرد. مادری که نسبت به جنس مذکر نگرش مثبتی دارد رشد شخصیتی کودک فاقد پدر را تسهیل می‌کند. برای نمونه او با تمجید از شایستگیهای عمومی پدر در مواجهه با محیط، یادآوری دلاریها و نکات مثبت وی می‌تواند به فرزندش کمک کند تا ارزش مذکر بودن را دریابد. از طرف دیگر، کم بها کردن جنس مذکر به ویژه پدر ممکن است سبب شود که کودک تصور مناسبی از جنس مذکر نداشته باشد.

نگرشهای مادر در مورد جنس مذکر و مردان بخش مهمی از رابطه «مادر فرزند» را شکل می‌دهد. با این حال، واکنشها و نگرشهای مادر بی‌تأثیر از تفاوت‌های فردی در کودکان نیست. اغلب تشابه صفات جسمانی و سبکهای رفتاری سبب می‌شود تا مادر کودک خود را مشابه پدرش (شوهر خود) ادراک نماید. برای مثال: چنانچه تشابه ظاهری و جسمانی زیادی بین کودک و پدر مشاهده گردد احتمال بیشتری وجود دارد که مادر انتظار داشته باشد رفتارهای او شبیه پدر باشد.

### مراقبت افراطی

مراقبت افراطی مادر یکی از پیامدهای محرومیت از پدر است. در خانواده‌هایی که مراقبت و حمایت بیش از اندازه مادر وجود دارد، پدر عموماً نقش منفعل و بدون کارایی دارد. چنانچه پدر وجود نداشته باشد اغلب احتمال ایجاد یک الگوی مراقبت افراطی از سوی مادر افزایش می‌یابد. در این میان سن کودک در هنگام شروع غیبت پدر یک عامل اساسی است. پسری که در هنگام نوزادی یا سالهای اول کودکی به هر دلیلی از پدر محروم می‌شود، احتمال بیشتری وجود دارد که توسط مادرش مورد مراقبت و مواظبت افراطی قرار گیرد، اما چنانچه محرومیت از پدر زمانی شروع شود که سن پسر بالاتر است، ممکن است انتظار داشته باشد که بسیاری از امور و مسؤلیتهایی را که قبلاً پدر انجام می‌داده است پسر بر عهده گیرد.

استندیر (۱۹۵۲) دو دوره اساسی را در ایجاد وابستگی بیش از حد بیان می‌کند: الف - در حدود ۹ سالگی، یعنی زمانی که کودک شروع به آزمون این نکته می‌کند که آیا مادر می‌تواند نیازهای وابستگی او را ارضا نماید.

ب - از ۲ تا ۲ سالگی، وقتی که کودک باید تسلیم کنترل اعمال شده توسط مادرش شود و بیاموزد در مواردی که از نظر فرهنگی و اجتماعی پسندیده است به گونه‌ای مستقل عمل کند.

محرومیت از پدر در طی این دوره‌ها ممکن است کودک را مستعد وابسته شدن بیش از حد نماید. استندیر، همچنین با مطالعه کودکان کلاس اول دریافت بیشتر کودکانی که توسط معلمانشان به عنوان افراد بیش از حد وابسته ارزیابی می‌شوند از خانواده‌هایی هستند که در آنها محرومیت از پدر وجود داشته است. در مطالعه او، از میان هر ۲۰ کودک بیش از حد وابسته، ۱۲ نفرشان مربوط به خانواده‌هایی بوده‌اند که در طول سه سال اول زندگی محرومیت از پدر وجود داشته است.

استولز (۱۹۵۳) دریافت مادرانی که

شغل شوهرانشان به گونه‌ای است که در مقایسه با دیگر مشاغل مدت بیشتری را باید در خارج از خانه به سر برند (مثل افسران ملوان) فعالیت‌های حرکتی کودکانشان را بیشتر محدود می‌کنند. استولز همچنین دریافت پسرانی که هم محرومیت از پدر و هم مراقبت افراطی مادر را داشته‌اند شدیداً از بروز و رشد صفات مردانگی در خود رنج می‌برند.

سیرز (۱۹۵۳) در مطالعه خود در مورد پسران پیش دبستانی گزارش می‌دهد که بسیاری از پسرانی که در عروسک بازی نقش دخترانه به خود می‌گیرند مادرانی داشته‌اند که فعالیت آنان را در خارج از خانه محدود می‌کنند. وی می‌افزاید که من دریافته‌ام مادران پسرانی که محروم از پدر هستند در مقایسه با دیگر مادران رفتارهای استقلال طلبانه و پرخاشگرانه را کمتر تشویق می‌کنند. بسیاری از پاسخهای غیرمعمول مادران فاقد شوهر نشان می‌دهد که آنان می‌ترسند کودکانشان از نظر جسمانی آسیب ببینند و یا وقتی بزرگتر شدند نتوانند آنها را کنترل نمایند.

### وضعیت جسمانی

یکی دیگر از عواملی که بر نگرشها و واکنشهای مادر تأثیر می‌گذارد رفتارهای کودک و به ویژه وضعیت جسمانی اوست. اگر کودکی از نظر جسمانی ضعیف باشد نگرانی مادر در مورد سلامتی او ممکن است بیش از حد شود. در واقع برای کودکانی که بیماریهای مکرر و مزمنی دارند احتمال زیادتری وجود دارد که رابطه بسیار نزدیکی با مادر خود داشته باشند. در بعضی موارد، توجه و مراقبت مداوم مادر ضروری است. پدران اغلب در می‌یابند که تعامل با یک کودک شدیداً مریض بسیار مشکل است. در اینجاست که رابطه‌ای نسبتاً انحصاری با مادر شکل می‌گیرد. متأسفانه رابطه شدید «مادر - کودک» که اساساً با شدت بیماری و وضعیت جسمانی کودک مرتبط است حتی اگر کودک کاملاً بهبود یابد، اغلب ادامه پیدا می‌کند. مثلاً، مادر ممکن

است هنوز فکر کند که ضروری است کودک خود را در تعامل و بازی با دیگر کودکان به شدت مورد محافظت قرار دهد. این وضعیت ممکن است در ایجاد رابطه با همسالان و رشد مناسب نقش جنسیتی کودک اختلال ایجاد نماید.

مادری که کودکش در نوزادی دچار بیماری شدیدی بوده است ممکن است کاملاً مستعد باشد تا به بیماریهای بعدی کودک به گونه‌ای شدید پاسخ دهد. یعنی او را مورد مراقبت بیش از اندازه و افراطی قرار دهد. کودک نیز به نوبه خود ممکن است یاد بگیرد که می‌تواند با بیان شکایات جسمانی جلب توجه بیشتر مادر و اطرافیان را به دست آورد.

لیپتون و همکاران (۱۹۶۶) با انجام پژوهشی دریافتند افرادی که بیماریهای روان - تنی دارند رابطه بسیار نزدیکی با مادرانشان، رابطه بسیار ضعیفی با پدرانشان و نقش جنسیتی نامناسبی داشته‌اند. برای نمونه، آنها دریافتند که بین حاکمیت مادر و ابتلا به زخمهای روده‌ای و چندین اختلال روان - تنی دیگر رابطه وجود دارد. همچنین شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد برای کودکان فاقد پدر، در مقایسه با کودکان واجد پدر، احتمال بیشتری وجود دارد که نشانه‌های بیماریهای روان - تنی را از خود نشان دهند.

البته بسیار مشکل است که تعیین کنیم آیا وضعیت خانوادگی یک عامل اساسی در سبب‌شناسی است و یا عوامل دیگری مثلاً، عاملی فیزیولوژیکی، تأثیر داشته است. اعم از اینکه وضعیت خانواده از نظر سبب‌شناسی اهمیت اولیه و یا ثانویه داشته باشد. آنچه محرز است این است که مراقبت افراطی مادر و محرومیت از پدر در اغلب موارد با ایجاد الگوهای رفتاری نابهنجار همراه است.

### وضعیت اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی

در ارزیابی متغیرهایی که بر رفتار مادر فاقد شوهر تأثیر می‌گذارد مشکلات و

مسائل اجتماعی و اقتصادی را نباید دست کم گرفت. کریز برگ (۱۹۶۷) وضعیت مادری را که شوهرش غیبت کرده است

چنین شرح می‌دهد: غیبت او (محرومیت از شوهر برای زن) احتمالاً به آن معناست که شوهر زحمتکش فقیر است و یا اصولاً همسری ندارد، در جنوب شهر زندگی می‌کند. نمی‌تواند هزینه زندگی را تأمین کند. در تربیت کودکان خود از نظر اجتماعی، عاطفی و اقتصادی هیچگونه کمکی را دریافت نمی‌کند و علاوه بر این، اینکه چگونه مادران این خانواده‌ها بعد از غیبت شوهر، خودشان را با شرایط تازه وفق می‌دهند پیامدهای مهمی برای کودکان خواهد داشت. میزان کمک و حمایتی که یک مادر بدون شوهر دریافت می‌دارد بر روابط بین فردی او و چگونگی ارتباط با کودکش تأثیر می‌گذارد.

یک مادر طبقه پایین (از نظر اقتصادی) ممکن است از یک مادر طبقه متوسط فرصت کمتری را برای مراقبت افراطی از کودک داشته باشد. زیرا به احتمال زیاد به منظور امرار معاش در یک شغل تمام وقت مشغول شده است. یک مادر طبقه متوسط احتمال بیشتری وجود دارد کودک خود را مورد مراقبت و حمایت افراطی قرار دهد. از سوی دیگر، در میان مادران بدون شوهر طبقات پایین‌تر طرد و غفلت مادری شیوع بیشتری دارد.

### تعارضهای مربوط به نقش جنسیتی

حضور کم پدر، به ویژه در طی نوزادی و اوایل کودکی، غالباً منجر به افزایش شدت رابطه عاطفی بین «مادر - کودک» می‌شود. دلبستگی شدید و نسبتاً انحصاری ممکن است مانع تعامل با همسالان و رشد نقش جنسیتی کودک شود. یافته‌های بین فرهنگی نشان می‌دهد که تعارضهای نقش جنسیتی بیشتر در جوامعی وجود دارد که کودکان و نوجوانان رابطه نسبتاً انحصاری با مادرانشان دارند. پسر محروم از پدر، علاوه بر نداشتن یک الگوی مناسب نقشهای مردان، احتمالاً با مادری مواجه

می‌شود که رفتار مردانه را تشویق نمی‌کند. اغلب پسران محروم از پدر از سوی همسالان خویش به علت فقدان رفتار

مردانه، به ویژه در هنگام شروع سال تحصیلی و یا بازیها، طرد می‌شوند. در اینجاست که کودک دچار اغتشاش و تعارض در نقش جنسیتی خود می‌شود. زیرا بین آنچه مورد توجه و تشویق مادر است و آنچه همسالان می‌پسندند تفاوت وجود دارد. چنانچه کودکی از نظر عاطفی و آموزشی شدیداً به مادرش متکی باشد ممکن است نقشهای جنسیتی مردانه را کسب نکند. با این حال، حفظ ثبات و



همسانی در رفتار براساس یک معیار درونی از صفات مردانه و زنانه برای یک پسر فاقد پدر ممکن است بسیار مشکل بوده، منجر به اضطراب وی گردد.

### شغل مادر

بسیاری از مادران کارآمد شاغل هستند و در خارج از خانه نیز مسؤولیتهایی بر عهده دارند. میلز (۱۹۶۱) گزارش می‌دهد که کودکان فاقد پدری که مادران شاغل دارند نسبت به آنهایی که مادران غیر شاغل دارند، تمایل بیشتری برای سازگاری از خود نشان می‌دهند.

کریز برگ، نیز شواهدی را ذکر می‌کند که شغل مادر در میان خانواده‌های فاقد پدر و طبقه اقتصادی پایین عامل مثبتی در سازگاری کودک است.

**در خانواده‌های کم درآمد کودکان فاقد پدری که مادران شاغل دارند در مقایسه با کودکان فاقد پدری که مادران غیرشاغل دارند نمرات آزمایشگاهی بالاتری کسب می‌کنند.** این در حالی است که در خانواده‌های طبیعی بین شغل مادر و نمرات آموزشی کودک به ویژه در پسران رابطه چندان دیده نمی‌شود. بعضی مطالعات نشان می‌دهد پسران



واجد پدر طبقات پایین هنگامی که مادرانشان به طور تمام وقت کار می‌کنند از پسران واجد پدری که مادرانشان کار نمی‌کنند توجه کمتری از سوی پدران خود دریافت می‌دارند. هنگامی که ارزیابی مادر از شغل خود مثبت است، در مقایسه با زمانی که ارزش چندان برای آن قائل نیست، با خانواده خویش تعامل سازنده‌تری دارد. کوپر اسمیت (۱۹۶۷) با انجام پژوهشی دریافت که شغل مادر با اعتماد به نفس کودک در صورتی که مادر احساس مثبتی نسبت به کارش داشته باشد، همبستگی دارد. اگر مادر احساس

مثبتی نسبت به شغلش داشته باشد، احتمال کمتری وجود دارد که از کودکش مراقبت افراطی نماید. شغل مادر همچنین تفکرات قالبی در مورد نقش‌های زنانه و مردانه را کمتر می‌کند. مطالعات نشان می‌دهد افرادی که مادران شاغل دارند در مورد تفاوتها و نقش‌های جنسیتی عقاید قالبی کمتری دارند.

### مادران کارآمد

رابطه «مادر - کودک» می‌تواند رشد شخصیتی کودک را تسهیل و یا بازداری نماید. زمانی که پسر از وجود پدر محروم است رابطه‌اش با مادر اهمیت اساسی دارد. مک کورد<sup>۱</sup> و همکارانش (۱۹۶۲) مشاهدات مددکاران اجتماعی از پسران ۱۰ تا ۱۵ ساله طبقه اقتصادی اجتماعی پایین را مورد تجزیه و تحلیل قرار دادند. آنها دریافتند که وجود یک مادر طردکننده یا پریشان با مشکلات رفتاری مختلفی (مثلاً اضطراب، تعارض نقش جنسیتی ...) در پسران فاقد پدر همراه است، اما برای پسران فاقد پدری که مادران نسبتاً مجرب و سالمی داشتند، احتمال بسیار کمتری وجود داشت که چنین مشکلاتی داشته باشند.

پدرسون<sup>۲</sup> (۱۹۶۶) گروهی از پسران مبتلا به اختلال عاطفی را با گروهی از پسران طبیعی مورد مقایسه قرار داد. این پسران همگی از خانواده‌های نظامی بودند و دامنه سنی‌شان بین ۱۱ تا ۱۵ سال بود. دروه‌های نسبتاً طولانی غیبت پدر با سطوح اختلال عاطفی ارتباط داشت. پدرسون همچنین دریافت که مادران کودکان اختلال‌دار از نظر عاطفی از مادران بدون اختلال آشفته‌تر هستند. یکی از نتیجه‌گیریهای مهم این یافته‌ها این است که از نظر روانشناختی مادران سالم می‌توانند بسیاری از اثرات و عوارض ناشی از محرومیت از پدر را خنثی نمایند.

هیلگارد (۱۹۷۰) با استفاده از روش مصاحبه با افراد بالغی که پدرانشان در هنگام کودکی مرده بودند به این نتیجه رسید که احساس خود ارزشمندی مادران یک عامل تعیین‌کننده در میزان سازگاری

کودک به عنوان یک فرد بالغ است. مادرانی که از منابع حمایتی درونی و بیرونی خود استفاده می‌کنند و کارکردهای دوگانه پدری و مادری را با کمی تعارض انجام می‌دهند با مشکلات ناشی از فقدان پدر در خانواده به گونه‌ای سازنده‌تر مواجه می‌شوند. هنگامی که مادر در تعاملات محیطی و روابط بین فردی با شایستگی عمل کند الگویی مناسب برای کودک نیز خواهد بود. با این حال به نظر می‌رسد که رشد شخصیتی یک کودک زمانی تسهیل خواهد شد که پدر امکان لازم جهت تقلید رفتارهای مردانه را به او داده، حس مسؤلیت‌پذیری را در آن تقویت نماید.

### تشویق مادر

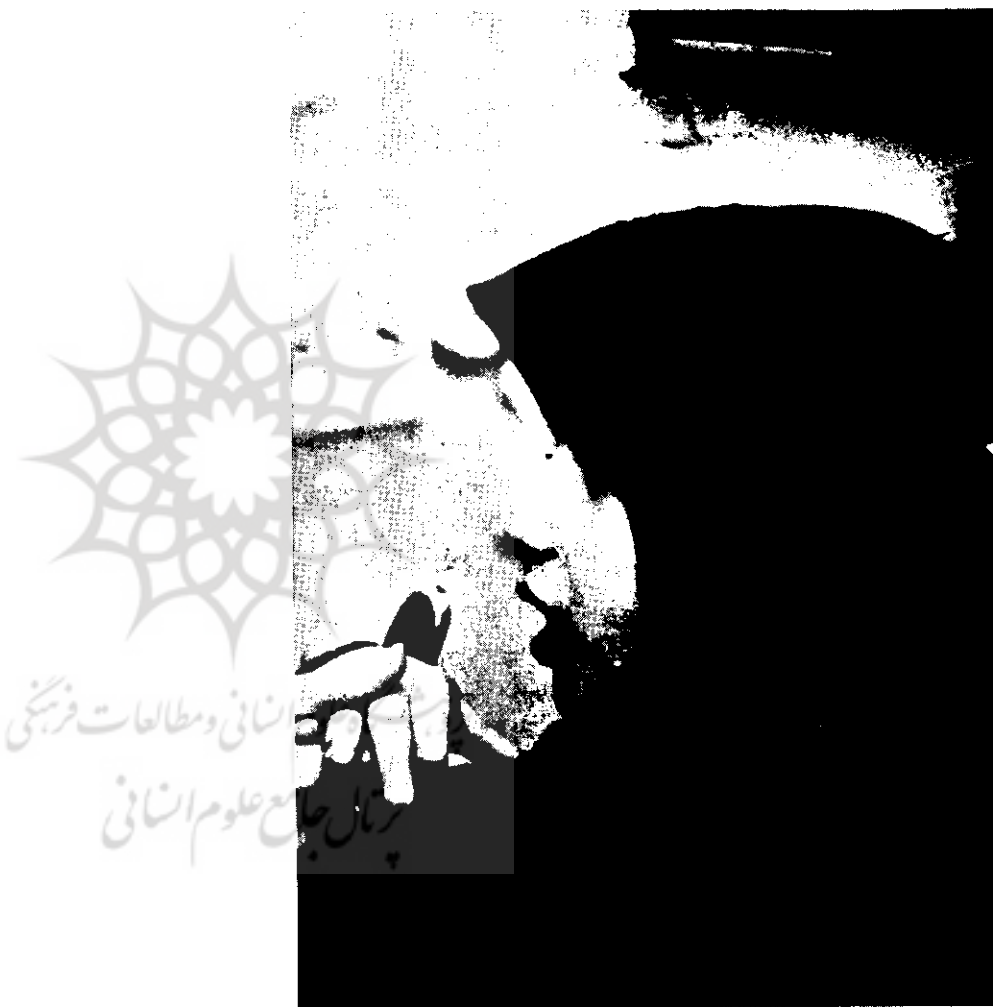
یک مادر می‌تواند با نگرش مثبت نسبت به غیبت پدر، و به‌طور کلی نسبت به مردان و نیز تشویق مداوم و ایجاد شایستگی در فرزندش، رشد نقش جنسیتی کودک را تسهیل نماید. در خانواده‌های سالم، واکنش‌های پدر به رفتارهای مردانه و استقلال‌طلبانه بر رشد شخصیت پسر تأثیر می‌گذارد. در خانواده‌های فاقد پدر، تشویق رفتارهای مردانه توسط مادر برای پسر اهمیت اساسی پیدا می‌کند. بیلر (۱۹۸۸) در یک مطالعه بر روی پسران پیش دبستانی میزان تشویق رفتارهای مردانه توسط مردان را با یک پرسشنامه نو گزینهای مورد سنجش قرار داد. وی دریافت میزان تشویق رفتارهای مردانه توسط مادر با میزان احساس مردانگی در پسران فاقد پدر به طور معناداری در رابطه است. در این مطالعه بین درجه تشویق رفتار مردانه توسط مادر با رشد مردانگی پسران واجد پدر ارتباطی دیده نشده است. ظاهراً رابطه «پدر - فرزند» از رابطه «مادر - فرزند» زمانی که پدر حضور دارد برای پسر مهمتر است. با این حال، در پسران نوجوان فاقد پدر، رفتار مادران یک متغیر اساسی در تسهیل یا بازداری رشد مردانه محسوب می‌گردد. مادر می‌تواند با تقویت پاسخهای مردانه و انتظار آن رفتارها، ادراک پسر فاقد

پدر را از ارزشهای خاص نقش مردانه افزایش دهد. اینگونه رفتار مادرانه می‌تواند نگرش مثبت از مردان را به عنوان افراد مسلط و برجسته افزایش داده، پسر را ترغیب سازد تا آن رفتارها را تقلید نموده، با آنها همانندسازی نماید.

### \* پژوهشهای انجام شده در مورد محرومیت از پدر و عوارض روانی - عاطفی بر کودک

اگر چه غیبت مداوم پدر به علت مرگ یا دیگر عوامل، یکی از انواع جدی محرومیت پدری را شامل می‌شود، اما در واقع محرومیت از پدر اشکال بسیار متنوعی دارد. محرومیت از والدین و محیط خانواده، عوارض روانی، اجتماعی متعددی دارد و دانشمندان و محققان ابعاد این مسأله را مورد توجه و تأکید قرار داده‌اند. در DSM IV - از بین عوامل روانی - اجتماعی استرس‌زا در کودکان و نوجوانان، مرگ یکی از والدین به عنوان استرس بسیار شدید و مرگ هر دو به عنوان استرس مصیبت‌بار توصیف شده است. هر رزوک (۱۹۸۸) با تأکید بر نقش پدر می‌گوید که کودکان محروم از پدر دچار گرسنگی پدر می‌شوند زیرا برای تنظیم پرخاشگری خویش نسبت به دیگران نیازمند آن هستند که با بزرگسالان مذکری در اطراف خود ارتباط داشته باشند او معتقد است که کودک محروم از پدر شکل پرخاشگری دارد. زیرا نقش جنس مادر چنین بوده است که در بازیها از خواست کودک و رهبری او پیروی کند. اما پدر در ضمن بازی، اعمال قاعده‌دار را وضع می‌کند و پرخاشگری کودک را بیشتر می‌کند.

کودک لازم دارد که هم نگرش منسجمی که ناشی از ارتباط با مادر است داشته باشد و هم نیازمند آن است که پرخاشگری کنترل شده‌ای در خود ببیند که ناشی از رابطه با پدر است. تحقیقات نشان می‌دهد که به طور قابل ملاحظه‌ای خطرات اختلالات روان پزشکی در دوران بعدی کودکی برای کودکانی که پدرانشان را از دست داده‌اند



بیشتر است.

مرتیوس (۱۹۶۵) گزارش کرده است که عزت نفس دانشجویان دانشگاه با میزان عشق و محبت پدران رابطه مثبت و با طرد پدر رابطه منفی دارد. باکت (۱۹۸۶) دریافت تجربه ممتد غیبت پدر تا قبل از ۸ سالگی با نمرات کمتر در اندازه‌های مربوط به سازگاری شخصیتی رابطه دارد.

لازودیک (۱۹۹۲) دریافت که هر چه افراد خود را در آزمونهای شخصیت به ویژگیهای پدارنشان شبیه‌تر توصیف می‌کردند، احتمال اینکه در آزمونهای اختلال سازگاری نمرات کمتری کسب کنند نیز بیشتر است. ظاهراً بین وجود روابط مداوم پدر - فرزندی و توجه و علاقه کافی پدر به فرزند با رشد کفایت خود و عزت نفس همبستگی زیادی وجود دارد. در مطالعه‌ای که توسط کوپراسمیت (۱۹۶۷) بر روی دانش‌آموزان پسر مقطع ابتدایی انجام شده است مشخص گردید که وجود رابطه نزدیک بین پدر و فرزند با عزت نفس رابطه دارد و بالعکس، هر گاه در پسرچه‌ها عزت نفس پایین مشاهده شود، احتمال اینکه مادری تنبیه‌کننده در زندگی آنان وجود داشته باشد بالا می‌رود. در عین حال کوپراسمیت متذکر شده است پسرانی که می‌توانند به پدران خود اعتماد کنند احتمالاً از عزت نفس مطلوبی نیز برخوردار هستند. سیروز (۱۹۷۰) دریافت که بین گزارش مادرها در مورد میزان گرمی و صمیمیتی که در رفتار شوهر (پدر کودکان) خود مشاهده می‌کنند و نتایج به دست آمد از یک آزمون عزت نفس که بر روی پسرهای کلاس ششم انجام شده بود همبستگی مثبت وجود دارد.

از آنجایی که رشد احساس کفایت خود و عزت نفس مثبت نقش بسیار مهمی در رشد تواناییهای سازگاری اجتماعی و سازگاری مدرسه‌ای دارد و با توجه به چرخه معیوبی که ممکن است در اثر رشد یک عزت نفس ناقص در تواناییهای عمومی فرد ظاهر می‌شود، اهمیت چگونگی روابط کودک با پدر در سلامت عاطفی کودک



شرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی



بیشتر آشکار می‌گردد.

### محرومیت از پدر و تأثیر بر سازگاری عمومی و آموزشگاهی

بیشتر پژوهشهای مربوط به سازگاری در مدرسه نشان می‌دهد که اگر چه کودکان محروم از پدر، سازگاری

کمتری از دیگران دارند، اما محرومیت از پدر، علت عمده یا تنها علت سازگاری پایین آنها نیست. برخی از محققان معتقدند که نمی‌توان خانواده‌های محروم از پدر را ذاتاً فاقد کفایت محیطی دانست، بلکه، باید گفت که شرایط نامساعد خانوادگی موجب بروز اثرات ناگوار در کودک می‌گردد (پدرمن، ۱۹۷۹)، رومسان (۱۹۶۵) ۴۸ دانش‌آموز محروم از پدر را که در درجه اول به علت افت تحصیلی به مشاور مرسته مراجعه کرده بودند مورد مطالعه قرار داد. کودکان دبستانی بیشتر از سایر کودکان و فرزندان آخر و اول خانواده‌ها بیشتر از سایر فرزندان به مشاور مراجعه کرده بودند. مطالعات زیادی نشان داده است کودکانی که پدرانشان غیبت داشته‌اند اغلب مشکلات رفتاری مربوط به سازگاری مدرسه در بین آنها بسیار زیاد است.

### اضطراب

شواهد نشان داده‌اند که انجام وظیفه پدری به طور نارسا اغلب با اضطراب کودک رابطه بالایی دارد. عدم اعتماد موجود در روابط بین فردی کودکان محروم از پدر می‌تواند بر احساس اضطراب و عزت نفس پایین کودک بیفزاید. علاوه بر این، ممکن است کودکان محروم از پدر به علت روابط کلامی زیادی که با مادر مضطرب خود دارند اضطراب زیادی را تجربه کنند (بیلر، ۱۹۸۲).

در عین حال، فقدان پدر در خانواده‌های کودکان محروم از پدر ممکن است کودک را به فکر محاسن وجود پدر بیندازد و احساس متفاوت بودن از دیگران ممکن است باعث افزایش اضطراب و تصور بی‌کفایتی شود. از آنجایی که یکی از نقشهای اساسی پدر

کمک به خانواده برای مواجه شدن با مسایل محیطی است، کودکان محروم از پدر ممکن است بیش از اندازه خود را درگیر بحرانهای حل ناشدنی تصور کنند و به دلیل فقدان الگوی مناسب در این زمینه مهارتهای لازم را کسب نکرده و اضطراب بیشتری نسبت به همسالان واجد پدر خود احساس کنند.

استلزن (۱۹۸۶) و همکاران در مطالعه خود متوجه شدند که در کودکان ۴ تا ۸ ساله‌ای که پدرانشان به علت مشاغل نظامی دوره‌های نسبتاً طولانی از محیط خانواده دور بودند، در حین اجرای آزمونهای فرافکن اضطراب بیشتری در کارتهایی که مستلزم وجود پدر در داستان بود از خود نشان می‌دادند.

### رفتارهای ضد اجتماعی

میشل در مطالعه خود (۱۹۸۲) نشان داد که کودکان ۸ تا ۹ ساله فاقد پدر در مقایسه با کودکان واجد پدر تمایل بیشتری برای ارضای سریع‌تر خواسته‌های خود دارند. وقتی او کودکان ۱۰ تا ۱۱ ساله فاقد پدر و واجد پدر را از نظر رفتارهای ضداجتماعی

و تکانه‌ای با یکدیگر مقایسه کرد، رابطه‌ای بین غیبت پدر و تمایل بیشتر برای ارضای سریع خواسته‌ها پیدا نکرد. از این رو، مطرح ساخت که کودکان با بزرگتر شدن و افزایش تجارب اجتماعی ممکن است بتوانند بیش از گذشته در روابط اجتماعی‌شان به دیگران اعتماد کنند و با افزایش تجربه اجتماعی و تحت تأثیر افزایش اعتماد عمومی به مردها بیشتر با آنها همانندسازی نمایند.

در مطالعه دیگری که سانتروک (۱۹۸۵) در بین دانش‌آموزان پسر سال هشتم انجام داد دریافت کودکانی که به علت طلاق، از داشتن پدر محروم بودند در مقایسه با آنهایی که پدرانشان را به علت مرگ از دست داده بودند، در به تأخیر انداختن ارضای نیازهای خود مشکلات بیشتری داشتند و کودکانی که پیش از سن ۲ سالگی و یا قبل از سن ۶ تا ۹ سالگی از پدر خود جدا شده بودند به نسبت آنهایی که بین ۲ تا ۵ سالگی از پدر خود جدا شده بودند، احتمال بیشتری داشت که به ارضای سریع نیازها تمایل نشان دهند.

شوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی



## نقش جنسیت بر پیامدهای سازگاری روانی محرومیت از پدر

عوارض ویژه غیبت پدر تحت تأثیر عواملی نظیر شخصیت مادر، زمینه‌های اقتصادی - اجتماعی و وجود یا فقدان خواهر و برادر و جنسیت کودک قرار داد. برخی از گزارشها حاکی از این است که دخترها کمتر از پسرها تحت تأثیر فقدان پدر قرار می‌گیرند (پاچ، ۱۹۵۶، زاگورین، ۱۹۸۲)، برخی دیگر نیز حاکی از آنند که دخترها حداقل به همان میزان پسرها از غیبت پدر در رشد روابط با جنس مخالف و رشد اجتماعی آسیب می‌بینند (بیلر، ۱۹۷۱؛ ویز، ۱۹۷۲).

دختران فاقد پدر اغلب در مواجهه با تکانه‌های پرخاشگرانه که دختران در بازی با عروسکها ابراز می‌کنند ممکن است انعکاس تعرّض آنها با مادران خود باشد.

## نتایج و توصیه‌ها

- ۱- نگرش مادر نسبت به پدر عامل مهمی در رشد نقش جنسیتی کودک و شخصیت او است.
- ۲- نگرش منفی مادر نسبت به فقدان پدر با سازگاری ضعیف کودک فاقد پدر در مدرسه در رابطه است. به عبارت دیگر، اگر

نگرش مادر نسبت به فقدان پدر منفی نباشد فرزندی در مدرسه سازگاری بیشتری خواهد داشت.

۳- اثرات غیبت پدر به علت طلاق یا ترک خانه به مراتب شدیدتر از اثرات فقدان پدر به علت مرگ آن بر روی فرزندان است.

۴- عامل بسیار مهمی که اثرات غیبت و فقدان پدر را به میزان زیادی تعدیل می‌کند چگونگی رابطه کودک با مادرش است.

۵- رابطه پدر - کودک قبل از غیبت پدر و نیز سن کودک در هنگام شروع غیبت در تعیین چگونگی نگرشهای مادر نسبت به پدر اثرات مهمی دارد.

۶- در خانواده‌های مادر سالاری اغلب ارزیابی از پدر به گونه‌ای منفی صورت می‌گیرد.

۷- مراقبت افراطی مادر از کودک یکی از پیامدهای محرومیت از پدر است. این مراقبت افراطی و وابستگی شدید و نسبتاً انحصاری ممکن است به تعامل با همسالان و رشد نقش جنسیتی کودک آسیب وارد کند.

۸- اغلب پسران محروم از پدر از سوی

همسالان خویش به علت فقدان رفتار مردانه، بویژه در هنگام شروع سال تحصیلی و یا بازیها، مورد طرد قرار می‌گیرند.

۹- سازگاری کودکان فاقد پدری که مادران شاغل دارند از آنهایی که مادرانشان خانه‌دار است بهتر است.

۱۰- میزان تشویق رفتارهای مردانه توسط مادر با میزان احساس مردانگی در پسران فاقد پدر به طور معناداری در رابطه است.

۱۱- برای پسران در صورت حضور پدر رابطه پدر - فرزند از رابطه مادر - فرزند بهتر است.

۱۲- عوارض و اثرات ناشی از فقدان پدر برای پسران شدیدتر از دختران و بالعکس عوارض و اثرات فقدان مادر برای دختران شدیدتر از پسران است.

۱۳- به طور کلی از نظر روان‌شناختی مادران سالم می‌توانند بسیاری از اثرات و عوارض ناشی از محرومیت از پدر را تا حد زیادی کاهش و خنثی نمایند.

## منابع:

1. Biller, H. B. "Paternal deprivation and marriage relationships among females". university of rhode Island, 1988.
2. cooper smith, S. "the Antecedents of self - esteem", sanfrancisco: W. H. Freeman, 1967.
3. farber, b. "Marital integration as a factor in parent - Child relations", Child development, 1987.
4. kriesberg, L. "Mothers in poverty: A Study of father - absence" and emotional disturbance in male military dependents Merrill palmer Quarterly, 1982,

